

هفته نامه راه کارگر

نشریه سیاسی - خبری کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سردبیر: آرش کمانگر شماره 208 یکشنبه 7 تیر 1383 27 ژوئن 2004



پنجمین سالگرد خیزش دانشجویی و مردمی هیجده تیر را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم!

در آستانه پنجمین سالگرد خیزش شش روزه تیرماه 78 قرار داریم . به همان میزان که دانشجویان و مردم کشورمان برای این روز تاریخی ، ارزش قائل اند ، به همان میزان ، جمهوری اسلامی از آن متنفرد بوده و در هراس از تکرار آن ، از هیچ اقدامی برای جلوگیری از برگزاری مراسمهای سالگرد ، فروگذار نمی کند . تهدید تشکلهای و فعالین جنبش دانشجویی و حتی به تعطیل کشاندن دانشگاهها در هیجده تیر و بسیج گسترده نیروهای امنیتی و سرکوبگر ، نشانگر وحشت رژیم میباشد . بر ماست که با بکارگیری اشکال متنوع مبارزاتی در داخل و خارج از کشور ، نگذاریم رژیم به آرامش گورستانی مورد نظر خود دست یابد . لطفا گزارش اقدامات و فعالیتهای خود را برای ما ارسال کنید .

کانادا و انتخابات پارلمانی آن ، در یک نگاه آرش کمانگر

روز دوشنبه 28 ژوئن (جون) انتخابات فدرال برای گزینش نماینده گان مجلس " عوام " (پارلمان) برگزار می شود. به همین منظور نگاهی می اندازیم به وضعیت سیاسی این کشور و رقابتهای انتخاباتی و مواضع احزاب رقیب.

بقیه در صفحه 4

اطلاعیه دعوت به نخستین گردهمای سراسری جمهوریخواهان دمکرات و لائیک!

در صفحه 3

از میان رسانه ها

به نقل از سایت " صدای ما " www.sedaye-ma.org

پیشنهادی برای ساختار اتحاد جمهوریخواهان لائیک و دمکرات

ح - پیونده

در صفحه 6

نگذاریم مردم بم و این کمک ها فراموش شود!

امیرجوهری لنگرودی

amir_1@hotmail.com

(بخش سوم مقالات مالی مربوط به بم)

چه کس و کسانی پاسخگوی این همه درد و رنج مردمان بم می باشند؟

بقیه در صفحه 2

نگذاریم مردم بم

و دیگر هیچ کمکی برای تقسیم بین اهالی شهر یاقی نمانده است. هیچ کس تا امروز هیچ آمار دقیقی را مبنی بر میزان تقسیم کمک ها اعلام نکرده است. ۰۰۰ نشستی در دفتر سازمان ملل مستقر در تهران تشکیل شده و اعلام کرده اند طبق برآوردهای انجام شده از کمک های نقدی و غیر نقدی به هریک از اهالی بم باید حدود ۹ میلیون تومان رسیده باشد. ۰۰۰ مردم شهر می پرسند که چرا به یکباره کمک های اعزام شده تمام شده است؟ (روزنامه شرق پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۲، شماره ۲۱۷)



در همین بخش بهتر آن می بینم که به بخش های از آخرین گزارش «مهسا جزینی» در روزنامه ایران هم، مختصرا اشاره کنم که فوق العاده تکان دهنده است. در گزارش نامبرده آمده است: «تغذیه اما فراموش شده ترین نیاز مردم بم است. آن هم از زمانی که قرار شده بر اساس دفترچه های خانوار ماهیانه مبلغی به خانواده ها پرداخت شود. از آن زمان (فروردین ماه ۸۲) دیگر سهمیه و حیره غذایی هم قطع شده، در حالی که مبلغ پرداختی به اندازه ای است که حتی کفاف ساده ترین نیازها را هم نمی دهد. ۰۰۰ دریم مدتهاست بسیاری لب به میوه زده اند. یک مدد کار اجتماعی می گوید: «مگر مردم چقدر می توانند، کنسرو یا سوپا استفاده کنند. آنها کم کم دچار بیماریهای گوارشی می شوند» گزارشگر با ارائه آمار یادآور شده است: «بر اساس آمارها ۹۲ درصد مردم بم فرد یا افرادی از خانواده خود را از دست داده اند. ۵۰ درصد افراد وضعیت روانی خود را بد ارزیابی کرده اند. ۰۰۰ همه این موارد هشدار است برای توجه به میزان خودکشی هادریم، گرچه آمارها در این زمینه چندان دقیق نیست و تلاش برای مکتوب نگه داشتن آن وجود دارد. اما دکتر «کیا» پزشک مستقر در کمپ (بو) ان می گوید: «آمار تقریبی تا سقفند ماه از یک روانپزشک به دست من رسیده بود حاکی از چهار اقدام به خودکشی در هر شبانه روز بود. اگر چه می گوید: «معلوم نیست دقیقا چه تعداد از این خودکشی ها موفق می شده و چند مورد نه» ولی وقتی از یک پرستار در بیمارستان صلیب سرخ در مورد آمارهای فعلی خودکشی می پرسم می گوید: «هر هفته حداقل دو، سه مورد اقدام به خودکشی گزارش می شود» (روزنامه ایران، شنبه ۲۳ خرداد ۸۲، شماره ۲۸۲۰) آیا بر همه این موارد ناگوار از زندگی مردم بم و روستاهای اطراف ویی توجهی به نیازمندیهای زندگی آنان پاسخی است؟ اگر آری چه کس و کسانی پاسخگویند؟

(* این ارقام میلیونی کمکهای نقدی و جنسی به کجا سرازیر شده اند؟

سیدکمال خرازی وزیر امور خارجه از گشودن حساب هایی در سفارتخانه های خارجی جمهوری اسلامی ایران خبر داد و اعلام کرد: «که حمل و نقل کمک های جنسی مشکل است و چنین کمکی هایی مطلوب نیست اما کمک های نقدی می تواند برای خرید وسایل مورد نیاز مصرف شود. ۰۰۰» (روزنامه اعتماد، دوشنبه ۸ دی ۱۳۸۲، شماره ۴۴۶)

به گزارش خبرنگار سرویس اجتماعی خبرگزاری کار ایران ایلنا، دکتر احمد علی نوربالا رئیس جمعیت هلال احمر در جمع خبرنگاران گفت: «کمک های مردمی به جمعیت هلال احمر که به شماره

داشتم یادداشت هایم را برای این مقاله فراهم می آوردم که به تازه ترین گزارش روزنامه شرق که مربوط به روز ۲۸ خرداد ۸۲ و ماجرای بم است برخورد، آنرا در کنار مقاله ای قراردادم که ۲۰ روز بعد از زلزله بم در همین روزنامه آمده بود و آن اینکه: سازمان ملل اعلام کرده است: «مردم بم تا سال هائیا زماند کمک هستند اما کاش زودتر خود به زندگی برگردند». از شهر چیزی نمانده جز تلی از خاک و ویرانی و بویی که انگار می خواهد تا قیامت بماند. این بوی مرگ نیست بوی زندگی هایی است که خاکستر شده، بوی مردگانی است که به ظاهر زنده اند، راه می روند، حرف می زنند، غذایی خورند اما آن کی به زندگی برخوانند گشت؟» (روزنامه شرق، پنجشنبه ۲۵ دی ۱۳۸۲، شماره ۱۱۶) اما گزارش اخیر روزنامه (شرق) به قلم مریم خورشید در مقایسه با آن، همه هوش و حواس آدمی را از خود بیخود می کند

۰ در روزنامه مزبور آمده است: «هفتم ماه اردیبهشت ۱۳۸۲ یعنی در پنجمین ماه بعد از وقوع زلزله بم در (۵ دی ۱۳۸۲) گروهی از اهالی بم دعوت شدند تا وارد انبارهای (۰۰۰) شده و ما بحتاج خود رانیه کنند. برای مردم باور نکردنی بود. در سوله بزرگ باز شد و جمعیت میان البسه و اجناسی که طبق هیچ الگویی طبقه بندی نشده بودند فرو ریختند و از مجموع پوشاک نو و کهنه، هر آنچه که به دردیخورد بر می داشتند. هیچان برای برداشتن هر چه بیشتر از اجناس دست خورده سوله آن قدر بود که کسی دور بین های فیلمبرداری رانید. عده ای دور بین به دست از آنچه که مردم انجام می دادند، تصویری گرفتند. ناگهان در سوله بسته شد و گروهی از افراد که لباس خاص برتن داشتند به سوی مردم حمله کرده و آنها را کتک زدند. این تصاویر قسمتی از دیده های یکی از مردم کاران بهزیستی است که بر حسب اتفاق همراه چند زن سالخورده برای تهیه ملزومات آنها به سوله مراجعه کرده بود. «در ادامه گزارش آمده است: «تصویر برداری تمام شد. چند روز بعد عده ای از رانندگان در کمال ناباوری بخش های باقی مانده از سوله را در بیابان های اطراف بم تخلیه کردند و فردای همان روز مدیریت سوله خالی در بخشنامه ای به افراد بومی منتقل شد. چند روز بعد نیز گزارش روی میز یکی از مردم (بم) (۰۰۰) به چشم می خورد. «در روز هفتم اردیبهشت ۸۲ گروهی از اوباش به انبار (۰۰۰) حمله کرده و بسیاری از اجناس را غارت کردند که عده ای از آنها دستگیر و بازداشت شدند!» گزارشگر می افزاید: «این گزارش محصول بازدید ۵ ماهه یک مددکار اجتماعی بهزیستی در شهرستان بم است. شاید بهتر باشد هیچ نام و نشانی از وی به میان نیاید تا اوتواند همچنان در میان اهالی بم بماند» (مریم خورشید، روزنامه شرق، پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۲، شماره ۲۱۷)

اگر گزارش اخیر را با پنج (۵) ماه پیش مقایسه کنیم درمی یابیم بر آن مردم چه گذشته است؟ بر همین پایه دی ماه ۸۲ زهره خوش نمک طی گزارشی نوشت: «بر اساس گزارش های رسیده انبارهای جمع آوری کمک ها در حد انفجار است. حجم برخی اقلام کمکی مثل پتو، چراغ و آلوارو و وسایل گرما رابه حدی رسیده است که «ستاد مدیریت بحران کشور» در اطلاعیه ای از اشباع این وسایل در منطقه خبر داد و از کمک دهندگان درخواست کرد به جای این اقلام وجه نقد برای مراحل بعدی به شماره حساب های اعلام شده واریز کنند» (روزنامه شرق، سه شنبه ۱۶ دی ۱۳۸۲، شماره ۱۰۸)

همین روزنامه (شرق) حدود ۱۰ روز بعد نوشت: «۰۰۰ هم اکنون انبارهای سازمان های مختلف و همچنین استیجاری دریم، کرمان و شهرهای اطراف در حد انفجار پر است و مابقی کمک هادر تهران دیومی شود» (پنجشنبه ۲۵ دی ۸۲، شماره ۱۱۸، همان ماخذ پیشین) اما امروز می خوانیم: «۰۰۰ دفترچه ارزیابی نشان می دهد که متعلق به پیرمردی می است که از دی ماه ۸۲ تا اردیبهشت ۸۲ فقط ۲ عدد بیسکویت و یک عدد آب میوه گرفته است» و یازمی خوانیم: «کلید انبارهای خالی را تحویل بومی ها داده اند. حالا اهالی بم رودرودی همشهری خود قرار گرفته اند و او را مورد بازخواست قرار داده اند. انبارها واقعا خالی است

نگذاریم مردم بم

اطلاعیه دعوت به نخستین گردهم آیی سراسری جمهوریخواهان دمکرات و لائیک! فراخوان ۱

به آگاهی علاقمندان می‌رسانیم که نخستین گردهم آیی سراسری جمهوریخواهان دمکرات و لائیک در روزهای سوم تا پنجم سپتامبر ۲۰۰۴ در شهر پاریس برگزار خواهد شد. این گردهم آیی که در حقیقت نخستین مجمع عمومی طیف ما به شمار می‌رود فرصت مغتنمی خواهد بود برای دیدار و گفت و شنود رویاروی و تصمیم‌گیری میان همه هموندان و همراهان این طیف گسترده و پر تنوع که امروز به نام صدای سوم شناخته می‌شود و با انتشار بیانیه <<جمهوری اسلامی، جمهوری لائیک و جایگاه ما>> (۲۳ مه ۲۰۰۱) و برگزاری سمینار "مردم سالاری و جمهوری لائیک در ایران" در پنجم و ششم ژوئیه سال پیش کار خود را آغاز کرد و امروز در پی نشست کلن در سیزدهم و چهاردهم مارس سال جاری همراه با دیگر محافل جمهوریخواهی این طیف تدارک فراگیر گردهم آیی سراسری را سازمان می‌دهد. تلاش و خواست کوشندگان و برگزارکنندگان این نشست آنست که همه کسانی که از یک سو با نظام استبداد دینی حاکم بر ایران از بنیاد، و در همه جلوه‌ها و با همه نهادها و نمادهایش، مخالفند؛ و از سوی دیگر در برابر نظامهای موروثی یا مسلکی بر لزوم تحول دمکراتیک در جامعه ایران پای می‌فشارند و از برقراری جمهوری مبتنی بر رای آزاد مردم و جدائی کامل دین از حکومت و ارکان قدرت دفاع می‌کنند و در راه استقرار آن می‌کوشند و به استقلال ایران پایبندند، در این نشست گرد آمده، بتوانند درباره پاره‌ای از مسائل مبرم و نیازهای اساسی خود چاره‌اندیشی کنند و با تصویب دوسند سیاسی و ساختار و اشکال سازماندهی، زمینه برداشتن گامهای مشترک در میان خویش را روشن و هموار سازند و شرایط لازم را برای تامین حضور سیاسی موثرتر این طیف فراهم آورند. به اعتبار همین ملاحظات، این نشست، گردهم آیی کوشندگان و همراهان این طیف است به صفت فردی، همایشی باز به روی همه کسانی که چنین چارچوب و اصول و مواضعی را از آن خود می‌بینند و خواهان مشارکت داوطلبانه در آن هستند. در عین حال نشست است هدفمند، چرا که گفت و شنودها و مباحثات آن معطوف به تصمیم‌گیری جمعی بر سر انتخاب نهادها و وظایف و مضامین کوششها و اقدامات آینده این مجموعه است. برای شرکت در این نشست و مشارکت در بحثها و تصمیم‌گیریها لطفاً از طریق یکی از نشانیهای زیر برگزارکنندگان گردهم آیی سراسری در پاریس را از تمایل خود آگاه سازید تا برای ثبت نام شما اقدام شود. اطلاعات لازم در باره نشانی و محل برگزاری و امکانات اقامت در فراخوانهای بعدی به آگاهی خواهد رسید. پاریس، ۱۲/ ژوئن/ ۲۰۰۴

جمع هم‌آهنگی تدارک گردهم آیی سراسری

ا. ایمیل : tadarok@sedaye-ma.org

فاکس:
30.72.50.19 (33-1)
نشانی پستی:

impasse binet 5

ERMONT 95120

FRANCE

حساب ۱۱۱۱۱ بانک ملی واریز شده بود ۴۲ میکارد ۲۹۵ میلیون ریال برآورد شده است» (بایگانی سایت روشنگری، www.roshangari.com) اسفند ۱۸- ۱۳۸۲_ هواپیماهای حامل کمک از ۲۲ کشور مختلف در سراسر جهان در فرودگاه های کرمان و تهران به زمین نشسته اند. دوهواپیمای فرانسوی، یک هواپیمای انریشی، هواپیمای س۱۲۰ کویت، هواپیماهای کشورهای نروژ، تایلند، پرتغال، انگلیس، ایتالیا، لهستان، فنلاند، اردن، ترکیه، چین، آلمان، بلژیک، عربستان، سوئیس، امارات و ۰۰۰ در فرودگاه کرمان به زمین نشسته اند که حامل تجهیزات پزشکی، امکانات و دستگاههای زنده یاب الکترونیک، سنگ زنده یاب، مواد غذایی، دارو و نیروهای امداد و بیمارستان صحرايي هستند (روزنامه اعتماد، دوشنبه ۸ دی ۱۳۸۲، شماره ۴۴۶)

_ عبدالله احمدیادوی نخست وزیرمالزی اعلام کرده که این کشور کمک های خود را در قالب پول به دولت ایران اهداء خواهد کرد (همان ماخذ پیشین)

_ صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) نیز یک فروند هواپیما شامل ۷ هزار و ۸۰۰ کیلوگرم دارو، چادر، بیمارستان صحرائی، پلاستیک و سایر ملزومات فرستاده است (همان ماخذ پیشین)

_ کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز یک فروند هواپیمای حامل ۲۵ تن کمک های انسان دوستانه به بم فرستاده است (همان ماخذ پیشین)

_ اداره هماهنگی امور انسان دوستانه ملل متحد مبلغ ۹۰ هزار دلار به عنوان کمک اولیه اضطراری برای زلزله زده گان اختصاص داد (همان ماخذ پیشین)

_ تا آخرین ساعات شب گذشته بیش از ۷۰ هواپیما حامل کمک های بشردوستانه در فرودگاههای ایران به زمین نشسته است. کشور ایتالیا از سوی اتحادیه اروپا به عنوان مسئول هماهنگی و ارسال کمک های این اتحادیه برای زلزله زدگان بم و استان کرمان اعلام شد. همچنین اتحادیه اروپا اعلام کرد که باتوجه به شدت زلزله بم، این اتحادیه تصمیم گرفته تا میزان کمک هایش را افزایش داده و مبلغ ۲/۲ میلیون یورو (چهار میلیون دلار) در اختیار ایران قرار دهد (همان ماخذ پیشین)

_ یک هیات دفتر اتحادیه اروپا در کابل اعلام کرده است که برای توزیع کمک های این اتحادیه راهی کرمان می‌شود. سرکنسولگری ایران در شهر حده عربستان سعودی برای سامان دادن امور مربوط به حادثه بم «یک ستاد بحران» تشکیل داده است (همان ماخذ پیشین)

_ خبر می‌رسد که هواپیمای باری صندوق کودکان ملل متحد، حاوی کمک‌هایی، وسایل پزشکی، چادر، پتو و کالسکه کودک برای زلزله زده گان از کابل وارد بم شد

_ هواپیمای دیگری نیز حاوی ۴۰ هزار تن اقلام امداد رسانی است که از کبناک وارد ایران شده است و ارزش محموله این هواپیما ۲۸۵ هزار دلار است

_ کمساریای عالی پناهندگان ملل متحد نیز یک هزار تخته چادر، ۱۰ هزار پتو و تعداد هزار تخته تشک به زلزله زده گان کمک می‌کند. ارزش تقریبی این اقلام ۱۴۰ هزار دلار است (روزنامه اعتماد، سه شنبه ۹ دی ۱۳۸۲، شماره ۴۴۷) و همچنان سیل کمک‌ها از جای جای ایران و جهان به سوی بم روانه است. در فرصتی دیگر آرابی می‌گیریم

ادامه دارد

30 خرداد 83

ادامه از صفحه یک

کانادا و انتخابات پارلمانی آن



بر جدایی دین و ایدئولوژی از دولت می باشد. با این همه، کماکان از تأثیرات دین (مسیحیت) رنج میبرد. جمله آغازین قانون اساسی از "برتریت خدا" سخن می گوید، همین رد پا را در سرود ملی کانادا می بینیم. بعلاوه یکی از اصول شناخته شده حاکمیت سکولار و لائیک، جلوگیری از دست اندازی مذهب در امر آموزش عمومی است. در کانادا اما اگر چه در مدارس دولتی، تا حدود زیادی این مهم رعایت می شود اما دولت با پذیرش مدارس کاتولیک که مدرک تحصیلی آنها همان اعتبار سیستم دولتی را دارند در عمل این اصل عرفی و مدرن را نقض نموده است.

در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی، کانادا بعنوان یک کشور پیشرفته سرمایه داری، یکی از اعضای "G 8" محسوب می شود و سیستم تأمین اجتماعی آن با فاصله داشتن از سیستم آمریکا، بیشتر به نظام موسوم به "دولتهای رفاه" در اروپا، شبیه است و جنبشهای اجتماعی در این کشور، پاره ای از حقوق اجتماعی را آنچه آن جا انداخته اند که حتی لیبرالها و محافظه کاران نیز قادر به زیر گرفتن کامل آنها نیستند. این دستاورد سبب شده که مثلاً مواضع حزب لیبرال حاکم (راست میانه) حتی از مواضع پاره ای احزاب سوسیال دمکرات اروپایی نظیر حزب کارگر بریتانیا کمتر ارتجاعی باشد. نمونه جنگ عراق، یکی از این مواضع بود.

و اما انتخابات پارلمانی کانادا

سیستم پارلمانی کانادا به سیستم بریتانیا شبیه است یعنی قوه مجریه از قوه مقننه جدا نیست. هم نخست وزیر و هم کلیه اعضای کابینه او، ابتدا بعنوان نماینده مجلس باید انتخاب شوند و جزئی از پارلمان محسوب شده، در جلسات آن شرکت نموده و به سئوالات و انتقادات اپوزیسیون پاسخ گفته و یا در دفاع از لوائح جدید بحث می کنند. عالیترین مقامات قضایی (وزارت دادگستری و دادستانی کل) و نیز مهمترین پست نظامی (وزارت دفاع) توسط قوه مجریه انتخاب می شوند. بنابراین نظام پارلمانی کانادا از آن نوع دمکراسی های لیبرالی است که در آن "اصل تفکیک قوا" که پاره ای به غلط آن را جزئی جدائی ناپذیر از دمکراسی میدانند، رعایت نشده است.

از زمان کسب استقلال نسبی تا کنون 37 انتخابات پارلمانی برگزار شده که هر پنج سال یکبار صورت می گیرد. نخستین انتخابات پارلمانی این کشور در سال 1867 میلادی برگزار شد که در آن نیمی از جمعیت یعنی زنان، حق رأی نداشتند.

متناسب با رشد جمعیت، معمولاً هر دوره بر تعداد کرسیهای پارلمانی نیز افزوده شده است. بطوریکه در انتخابات پیش رو، مردم از میان حدود دو هزار کاندیدای احزاب و مستقل، باید 308 نفر را به نماینده گی پارلمان برگزینند. معمولاً میزان مشارکت مردم در انتخابات سراسری، از کشور همسایه خود آمریکا بیشتر است و در دهه های اخیر بین 60 تا 75 درصد در نوسان بوده است. بر طبق برخی گزارشات، پائین ترین میزان مشارکت در سال 2000 بوده که حدود 61 درصد واجدین شرایط در آن حضور یافته بودند.

در پارلمان فعلی سهم احزاب عمده کانادا به قرار زیر بوده است: حزب لیبرال= 172 کرسی، حزب آلینس (اتحاد کاناداییها)= 66 کرسی، حزب بلوک کبکی ها= 38 کرسی، حزب نیو دمکرات= 14 کرسی و حزب محافظه کار پیشرو= 12 کرسی.

البته سال گذشته حزب محافظه کار پیشرو (راست) و حزب آلینس (اولترا راست) با هم وحدت نموده و اتحادی از کلیه راستها تحت عنوان "حزب محافظه کار کانادا" بوجود آوردند که اکنون رقیب عمده حزب حاکم لیبرال در انتخابات قریب الوقوع می باشد.

میزان مشارکت زنان چه در مرحله کاندیداتوری و چه بعنوان نماینده مجلس، از بسیار کشورهای اروپایی کمتر است و پائینتر از سی درصد می باشد. در میان احزاب عمده، حزب سوسیال دمکرات NDP (نیو دمکرات) با حدود چهل درصد، بیشترین زمینه را برای دخالت گری زنان فراهم نموده که البته هنوز از ایده آل 50 درصد فاصله دارد.

احزاب کانادا بغیر از ان. دی. پی، عمدتاً در مناطق و استانهای میبونی ذک نفوذ می باشند. مثلاً حزب محافظه کار، عمدتاً در غرب کانادا (استانهای آلبرتا و بریتیش کلمبیا)، حزب لیبرال در استان

کانادا بعد از روسیه، بزرگترین کشور جهان است، اما جمعیت آن حدود 32 میلیون نفر میباشد که عمدتاً در استانهای جنوبی این کشور زندگی می کنند. از هزاران سال قبل اسکیموها و بومیان (که ایرانیان به غلط آنها را سرخپوست می نامند) در قاره آمریکا و کانادا سکنی داشته و به ماهیگیری، شکار و زراعت مشغول بودند.

اما در پی کشف قاره آمریکا (نیمکره غربی) توسط کریستف کلمبو، بتدریج فوج فوج مهاجمان و مهاجرین اروپائی وارد این قاره شده و با نسل کشی بومیان و غارت ثروت ها و منابع آنها در طول 500 سال، به حاکمان مطلق این قاره تبدیل شدند. استعمار پرتغال در کشور برزیل، استعمار اسپانیا بر بخش اعظم آمریکای جنوبی و مرکزی و استعمار بریتانیا بر بخش عمده آمریکای شمالی مسلط گشتند. ایالات متحده در جریان جنگهای استقلال طلبانه، توانست به کمک فرانسویها، با استقرار یک جمهوری مستقل، خود را از یوغ استعمار بریتانیا برهاند، اما کانادا به رغم کسب تدریجی استقلال سیاسی و اقتصادی خود، کماکان نوعی وابستگی سمبلیک به سلطنت بریتانیا را حفظ نمود. بطوریکه اکنون نیز علیرغم عدم دخالت حکومت بریتانیا در سیاست های دولت فدرال کانادا، فرماندار کل این کشور (که یک مقام تشریفاتی است) توسط ملکه انگلیس انتخاب می شود. فرماندار کل علاوه بر اموری چون بر پائی ضیافت و شرکت در مراسمها و یاد بودها، وظیفه توشیح "ملکوکانه" مصوبات پارلمان را نیز بر عهده دارد.

نظام سیاسی در کانادا مبتنی بر دمکراسی لیبرالی (پارلمانی) با فورماسیون فدرالیستی است. یعنی در کنار دولت مرکزی فدرال و مجالس نماینده گان مردم و سنا، دولت و مجلس ایالتی نیز در استانها وجود دارند که در محدوده منطقه خود، دارای اتونومی می باشند.

بغیر از استان "کبک" (در شرق کانادا) با حدود شش میلیون جمعیت که اکثریت آن فرانسوی زبان هستند، زبان اصلی دیگر استانهای کشور، انگلیسی می باشد. با این همه مکاتبات رسمی مقامات دولت مرکزی به هر دو زبان صورت می گیرد. یعنی بطور رسمی، کانادا کشوری "بای لنگوال" (دوزبانه) محسوب می شود. به همین خاطر، کانادا هم عضو "کشورهای مشترک المنافع" (مستعمره های سابق بریتانیا) و هم عضو "اتحادیه کشور های فرانکوفون" (فرانسوی زبان) می باشد. علاوه بر آن، بدلیل وجود بومیان و نیز انبوه مهاجرین جدید، که چینی ها و سپس هندی ها، در میان آنها اکثریت دارند سیستم مولتی کالچرالیزم (نظام چند فرهنگی) نیز محترم شمرده می شود که بواسطه آن ملیتهای مختلف می توانند حول زبان و فرهنگ مادری خود، فعالیت های آموزشی و رسانه ای داشته باشند. ضمن اینکه بومیان کانادا در دهه های اخیر از برخی "تبعیضات مثبت" بهره مند شده و دارای حقوق و نواحی "زرو شده" خود هستند.

قانون اساسی کانادا (منشور حقوق و آزادیها) عمدتاً با مبنای حقوق بشر بین المللی و دمکراسی لیبرالی انطباق دارد و مبتنی

کانادا و انتخابات پارلمانی آن

انتاریو (که به تنهایی بیش از صد نماینده به مجلس می فرستد) و حزب بلوک کبکی ها در استان فرانسوی زبان " کبک " (در شرق کانادا) از حمایت توده ای برخوردارند.

به همین خاطر، جهت به چالش کشیدن نفوذ حزب لیبرال در استان مهم انتاریو، حزب جدید محافظه کار ، یک سیاستمدار انتاریویی بنام " استفان هارپر " را به ریاست خود برگزیده تا بدین وسیله، نفوذ خود را گسترش دهد.

در دو دوره گذشته، حزب لیبرال توانسته بود با بدست آوردن اکثریت کرسیها، زمام امور را به تنهایی بدست گیرد، اما بدنبال اتحاد راست ها و نیز رسوایی حزب لیبرال در امر جمع آوری غیر قانونی کمک مالی و نیز ناتوانی " پال مارتین " رهبر جدید حزب لیبرال در سازماندهی یک کمپین انتخاباتی موفق، به احتمال زیاد حزب لیبرال نخواهد توانست اکثریت مطلق کرسیها را بدست آورد. آخرین نظر سنجی ها نشان میدهد که بین 30 تا 35 درصد از رای دهنده گان، به حزب لیبرال و همین میزان به حزب محافظه کار گرایش دارند. محبوبیت حزب نیو دمکرات نیز با چند درصد افزایش، بین 18 تا 22 درصد در نوسان است.

حزب کوچک سبزها نیز دارای 6 درصد حمایت توده ای است (در کانادا برای تبدیل شدن به یک حزب رسمی عمده که دارای حقوق ویژه ای است باید حداقل از ده درصد حمایت رای دهنده گان برخوردار بود) حزب بلوک کبکی ها نیز که فقط در منطقه فرانسوی زبان فعالیت دارد، پیش بینی می شود که از مجموع 75 کرسی استان کبک، بین 45 تا 50 کرسی بدست آورد.

البته حدود 25 درصد از مردم مایل به شرکت در انتخابات ، هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته اند و همین ها در انتخابات 28 ژوئن تعیین کننده خواهند بود.

از اینرو به احتمال زیاد هیچیک از دو حزب لیبرال و محافظه کار نخواهند توانست ، دولت اکثریت را تشکیل دهند. در چنین حالتی یا دولت اقلیت تشکیل می شود و یا دولت ائتلافی .

در تاریخ معاصر، آخرین دولت اقلیت، به سال 1979 تشکیل شده بود که جو کلارک (از حزب محافظه کار پیشرو) نخست وزیر آن بود، اما آن دولت بعد از چند ماه سقوط کرد. حزب جدید محافظه کار برای ائتلاف و یا کسب رای حمایتی، به هیچوجه نمی توان روی حزب سوسیال دمکرات NDP حساب کند. برای کسب حمایت بلوک کبکی ها نیز با دشواریهای زیادی روبروست. چرا که حزب استفان هارپر (محافظه کار) به شدت انگلیسی و مخالف اعطای امتیازات ویژه به اقلیت ها است ، و در درون آن نیز حتی گرایشهای راسیستی وجود دارد. با این همه برخی ناظران سیاسی ابراز عقیده می کنند که تسلط حزب انگلوفیل محافظه کار بر دولت، مردم کبک را هر چه بیشتر به ایده های استقلال طلبانه و جدائی خواهانه " بلوک فرانکوفون کبک " سوق میدهد و این نوعی کمک ناخواسته به آنهاست. ثانیاً حزب محافظه کار و بلوک کبکی ها بر سر یکی از مهمترین طرحهای اقتصادی- اجتماعی، موضع مشترکی دارند و آن این ایده ارتجاعی است که درآمدها و مالیاتهای جمع آوری شده از هر استان، عمدتاً باید به همان استان بر گردد. چیزی که هم حزب لیبرال و هم چپها با آن مخالفند و اعتقاد دارند که اجرای آن، نابرابری بین استانها ی کم درآمد و پر درآمد را افزایش خواهد داد. با این همه چون اجرای چنین سناریویی، سالانه سه میلیارد دلار به خزانه دولت ایالتی کبک خواهد افزود ، ناسیونالیستهای فرانکو فون به شدت از آن دفاع می کنند و بعید نیست بخاطر همین دو پارامتر ذکر شده به حمایت مشروط از تشکیل یک دولت اقلیت محافظه کار بپردازند.

اما پیروزی محافظه کاران در کانادا، یک چرخش به شدت راست و ارتجاعی را در صحنه سیاسی کانادا پدید خواهد آورد. رهبران این حزب ، گرچه بطور موزبانه، بسیاری از مواضع خود را کتمان نموده و یا در هاله ای از ابهام نگه میدارند، اما بدلیل وجود گرایشهای اولترا راست، مرد سالارانه، هوموفوبیک (ضد حقوق همجنس گرایان)، ضد پناهنده گی، و ضد بسیاری از دستاوردهای دولت رفاه و سیستم تأمین اجتماعی و ... یک ترمیدور منفی خواهد بود،

بطوریکه فیلمساز معروف " مایکل مور " نیز چند روز پیش ابراز علاقه نمود که نمایش فیلم مستند و جنجالی او بنام فارتایت 9/11 در کانادا موجبات شکست حزب محافظه کار را فراهم کند. حتی هفته گذشته جان کری (کاندید حزب دمکرات آمریکا برای انتخابات ریاست جمهوری) نیز به کانادا آمد و طی یک سخنرانی در تورنتو، غیر مستقیم و تلویحاً لیبرالها و سیاست خارجی آنها را ستود.

لازم به تذکر است که در زمان شروع جنگ عراق، استفان هارپر طی مقاله ای در روزنامه " وال استریت ژورنال " به شدت موضع دولت لیبرال کانادا برای عدم مشارکت در جنگ را مورد انتقاد قرار داده بود و در آن دوره حزب آلانسیس، تظاهرات جنگ طلبانه ای را نیز در برابر پارلمان کانادا سازمان داده بود. حزب محافظه کار اگر چه از شدت آن مواضع بدلیل رویت باتلاق عراق کاسته است، اما پنهان نمی کند که در صورت بقدرت رسیدن، سالیانه یک میلیارد و دویست میلیون دلار بر بودجه نظامی کشور خواهد افزود و به خواست آمریکا برای مشارکت کانادا در طرح موسوم به " جنگ ستاره گان " نیز پاسخ مثبت خواهد داد. این حزب در حالی میخواهد بر بودجه نظامی بیفزاید که به شدت خواهان کاهش مالیات (عمدتاً ثروتمندان و کمیتهای بزرگ است) طبیعیست که این کسری بودجه از طریق مالاندن بیشتر حقوق پایه ای مردم نظیر: حقوق بیکاری، حقوق و لغرف (سوسپال)، درمان رایگان و مسکن ارزان دولتی برای فقرا و خصوصی سازی و حراج بسیاری از موسسات دولتی و ملی تأمین خواهد شد، چرخش تندی که به هیچوجه اکثریت مردم کانادا در دراز مدت آنرا تحمل نخواهند نمود.

از دیگر مواضع ارتجاعی حزب محافظه کار جدید، میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

مخالفت با حق ازدواج همجنس گرایان، حق سقط جنین برای زنان، کاهش میزان مهاجرت و گرایش دادن بیشتر آن بسوی ورود مهاجرین ثروتمند و متخصص، کاهش هر چه بیشتر پذیرش پناهنده گان سیاسی، دفاع برخی از اعضای آن به بازگشت حکم اعدام، مخالفت با مولتی کالچرالیزم و اعطای امتیازات به بومیان، اتخاذ یک سیاست خارجی متناسب با مواضع آمریکا در خاور میانه (که چشم پوشی از جنایات اسرائیل بر علیه مردم فلسطین ، جزئی از آن خواهد بود)، پایبندی به " ارزشهای مسیحی "، دفاع از نظام دو پاره بهداشتی (به معنای خصوصی سازی بخشی از سیستم درمانی کشور نظیر آنچه در آمریکا وجود دارد) و ...

البته رهبران این حزب، تمام مواضع فوق الذکر را با همین صراحت طرح نمی کنند، چون در آستانه انتخابات از چرخش تند مردم واهمه دارند. مثلاً در رابطه با حقوقی چون ازدواج همجنس گرایان و سقط جنین ، اعلام میدارند که معتقد به " رای آزاد " هستند یعنی هر نماینده این حزب در موقع طرح مسائل مذکور، میتواند رای شخصی خود را داشته باشد و خود حزب موضع واحد و الزام آور برای کل فراکسیون ، نخواهد داشت.

به همین خاطر برخی نظر سنجی های اخیر، حکایت از آن دارند که بخشهایی از مردم، برای ممانعت از پیروزی محافظه کاران، خواستار ایجاد یک دولت ائتلافی از راست میانه (لیبرالها) و سوسیال دمکراتها (ان. دی. پی) هستند، اما " جک لیٹان " (رهبر نیو دمکراتها) بدرستی در مناظره تلویزیونی خود با دیگر رهبران احزاب عمده، خاطر نشان نمود که مواضع اجتماعی و اقتصادی حزب لیبرال تفاوت بنیادی با مواضع حزب محافظه کار ندارد. اما واقعیت این است که خود " ان. دی. پی " نیز همچون هم تیان خود در اروپا نشان داده که وقتی قدرت را در برخی استانهای کانادا نظیر بریتیش کلمبیا (استانی که شهر مهم ونکوور در آن قرار دارد) بدست گرفته ، بسیاری از وعده های خود را بفراموشی سپرده و نخست وزیران ایالتی آن یکی پس از دیگری، رسوایی مالی بدنبال آورده اند که سبب سلب اعتماد اکثریت زحمتکش جامعه و قدرت گیری مجدد راستها در آن استان ها گردیده است. متأسفانه چپ رادیکال نیز در کانادا به شدت ضعیف بوده و در بیشتر موارد به زانده نیو دمکرات ها تبدیل می شود. البته حزب کمونیست در غرب کانادا و حزب کمونیست (م. ل) در شرق کانادا کاندیداهایی معرفی می کنند که معمولاً آرای آنها از چند صد عدد تجاوز نمی کند. به همین خاطر پایه توده ای متمایل به چپ ، در هر انتخابات، راهی جز ریختن آرای خود به صندوق نیو دمکراتها و سبزها نمی بیند.

قبال حوادث سیاسی کشور در فاصله میان دو مجمع عمومی سراسری می‌باشد.

۲- هیئت هماهنگی تدارک کننده سیاسی و فنی نشست های دوره ای مجمع عمومی سراسری ج- ل می باشد.

۳- هیئت هماهنگی از ترکیب داوطلبان در مجمع عمومی سراسری و نمایندگان واحدهای محلی و گروههای کاری تشکیل می گردد.

۴- تعداد اعضای هیئت هماهنگی متناسب با حجم وظایف، تعداد واحدهای محلی و گروههای کاری تغییر می کند.

گروههای کاری

بنا بر ضرورت و نیز گسترش تنوع فعالیت اتحاد ج _ ل گروههای کاری تشکیل می گردد .

اساس مناسبات دورنی گروههای کاری به قرار زیر است:

۱- هر گروه کاری با توجه به وظایف و اهداف اتحاد و نیز توافقات مجمع عمومی چهارچوب فعالیت خود را تعیین خواهد کرد.

۲- هر گروه کاری اصول مناسبات دورنی خود را تنظیم کرده و از جمله نماینده خود را برای هیئت هماهنگی تعیین خواهد کرد.

۳- کمیت و ترکیب گروهها باز بوده و اعضای شرکت کننده در آن از سوی هیچ نهادی گزین نمی شوند بلکه بطور داوطلبانه و مشروط بر تعهد به انجام وظایف دورنی گروه به عضویت آن پذیرفته خواهند شد.

۴- تمامی گرایشات درون اتحاد می توانند در آن حضور داشته باشند.

واحدهای محلی خود مختار

۱- نوع و چگونگی فعالیت محلی واحدها ، تنظیم مناسبات دورنی و دیگر ملزومات کار مشترک منطقه ای توسط اعضای محلی تعیین می گردد. مجمع عمومی سراسری و هیئت هماهنگی در امور محلی مداخله نمی کنند.

۲- واحدها محلی به صرف همسویی با اهداف جنبش جمهوری خواهان لائیک بخشی از وظایف سراسری را بر عهده گرفته و متناسب با نیرو و امکانات خود در گروههای کاری و هیئت هماهنگی شرکت می کند.

از میان رسانه ها

به نقل از سایت " صدای ما "

www.sedaye-ma.org

پیشنهادی برای ساختار اتحاد جمهوری خواهان لائیک و دموکرات

ح - پوینده

هانوفر

ژوئن ۲۰۰۴

ساختار تشکیلاتی این تجمع طبعاً نمی تواند بی ارتباط با اهداف و نیز ترکیب نیروهای آن باشد. اتحاد وسیع جمهوری خواهان لائیک و دموکرات (ل- ج) نیز هر چند تاکنون به اشتراکات عمومی و نیز ترکیب تثبیت شده ای دست نیافته است اما از هم اکنون به تناسب نیروهایی که حول آن گرد آمده اند نشان این نیروها را بر خود دارد. از نظر ما اتحاد جمهوری خواهان لائیک اتحادی است فراگیر که وسیع ترین نیروهای طرفدار آزادی و دموکراسی از چپ رادیکال تا لیبرال دموکراتها و دین باوران مدافع اصول یک جامعه دموکراتیک را در بر می گیرد. بهترین مشخصه اتحاد جمهور خواهان لائیک خصلت جنبشی آن است بنابراین شکل دادن به ساختار تشکیلاتی آن نمی تواند بدون توجه و تاثیر از خصلت جنبشی آن باشد. با این همه لازم است تاکید کنیم که بلحاظ جدید بودن و لاقال فاقد بودن جنبش آزادیخواهی ایران از تجاری از این دست، دست یابی به ساختار شسته و رفته در مراحل آغازین کار امری دشوار است و تا حد بسیار زیادی نیاز به تجارب عملی و اصلاح کام به کام آن دارد. با توجه به نکات فوق ساختار عمومی اتحاد جمهوری خواهان لائیک و دموکرات باید رها از شرط و شروط اساسنامه ای ، قید و بند های تشکیلاتی و " رهبری " به معنای اخص کلمه آن باشد و از سوی دیگر منعطف ، زلایینی بوده و شرایط را برای عضویت همه فعالین سیاسی که با اهداف عمومی آن مخالف ندارند، فراهم سازد.

اجزای تشکیل دهنده اتحاد

۱- کلیه کسانی که با هدفهای عمومی اتحاد ج - ل اشتراک نظر دارند و بطور فردی یا از طریق واحدهای محلی در آن حضور می یابند، عضو محسوب می شوند.

۲- عضویت افراد در اتحاد ج - ل اعم از متشکلین (اعضای احزاب و گروهها) یا منفردین(شخصیت ها و غیر شخصیت ها) به صفت فردی است.

نهادهای اتحاد:

مجمع عمومی سراسری اعضا

۱- مجمع عمومی با حضور اعضای اتحاد ج _ ل تشکیل می گردد.
۲_ مجمع عمومی مرجع تصمیم گیرنده در مورد اسناد پایه ای اتحاد (سند سیاسی، سند ساختار) همچنین مهمترین سیاست ها و وظایف دوره ای اتحاد می باشد.

۳- اساس تصمیم گیریها در مجمع عمومی بر پایه توافق و تفاهم است. در موارد عدم توافق، موضوعات اساسی برای مباحثات بیشتر به اعضا اتحاد و کمیسیونهای مربوطه برگردانده می شود. در موارد فرعی و غیر اساسی اصل بر تمایل اکثریت خواهد بود.

هیئت هماهنگی

۱- هیئت هماهنگی مجری تصمیمات مجمع عمومی و هماهنگ کننده عرصه های فعالیت گروههای کاری و مسئول موضع گیری در

* با ما ارتباط بگیرید *

سر دبیر هفته نامه

arash.k@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن عمومی سازمان

49 -40 -6777819

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net